



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The Study and Analysis of Characters' Dialogues in Samak-E Ayyār

T. Hassani, M.A. Davoodabadi Farahani*, M.R. Ghari

Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 16 June 2020
 Reviewed: 20 July 2020
 Revised: 05 August 2020
 Accepted: 20 September 2020

KEYWORDS

romance, Samak-E-Ayyār, elements of fiction, dialogue, character

*Corresponding Author

✉ m-davoodabadi@iau-arak.ac.ir

☎ (+98 86) 34132451

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Samak-E-Ayyār is one of the most famous Persian folktale which has flourished in 6th century and it is known as romance. dialogue is one of the critical elements of fiction which has got the effective role in identifying the characters. Study and analysis of dialogue element are the main topic of this research. In this paper the researcher tries to analyze the dialogue function and role in Samak-E-Ayyār.

METHODOLOGY: The present research is organized based on library resources and descriptive- analytical method. basically, this paper has studied Samak-E-Ayyār corrected by Parviz Natel Khanlari and published by Agah Press.

FINDINGS: Following narration in Samak-E-Ayyār, there are direct and indirect dialogues. Most dialogues are short and reflex the pure classic prose of sixth century. In this work characters haven't got distinct representation.

CONCLUSION: The function and role of dialogue in Samak-E-Ayyār have been demonstrated as argument, discussion and conflict. To reason the discourse, the mild language and errant' reasoning, ministers and scholars are realized. Some facts, judgments and views are narrated by characters as well as narrator and it leads to democratic discourse. Love, suppliant and prayer are the reasons of emotional and sentient dialogue, characters' performances make the audiences know them and bring along identification with the heroes. Dialogues are going to show as followings: They reflex events and adventures which help the narrative progress. Happy and sad settings are created by dreaming and astrology. Descriptions in dialogue deal to further introduction or recognition. Story's climax and anticlimax, complication and denouement are appeared superiorly. Besides dialogues help the time acceleration of in Samak-E-Ayyār.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5508](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5508)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 15	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

بررسی و تحلیل گفتگوی شخصیتها در سمک عیار

طاهره حسنی، محمدعلی داودآبادی فراهانی*، محمدرضا قاری

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: سمک عیار معروفترین اثر داستانی عامیانه فارسی است که در قرن ششم پدید آمده و در دستهبندیهای ادب داستانی در ذیل رمانس قرار میگیرد. گفتگو یکی از مهمترین عناصر داستانی آن است که نقش بسزایی در شناساندن شخصیتهای داستان دارد. بررسی و تحلیل عنصر گفتگو موضوع اصلی این پژوهش است. در این مقاله سعی بر آنست که کارکرد و نقش گفتگو در سمک عیار مورد واکاوی قرار گیرد.

روش مطالعه: پژوهش پیش رو مطالعه‌ای نظری است که به شیوه کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، سمک عیار به تصحیح پرویز ناتل خانلری بوده، که توسط نشر آگاه منتشر شده است.

یافته‌ها: گفتگوها در سمک عیار بدنبال روایت می‌آیند و به دو صورت، مستقیم و غیرمستقیم نمود دارند. بیشتر گفتگوها کوتاه هستند و سلامت نثر کلاسیک قرن ششم را نشان میدهند. شخصیتها در این اثر صدای متمایزی ندارند.

نتیجه‌گیری: کارکرد و نقش گفتگو در سمک عیار بصورت مناظره کردن، مجادله و کشمکش بین شخصیتها نمود پیدا کرده است. مستدل کردن کلام، با زبان ملایم و استدلال عیاران، وزیران و عالمان تحقق یافته است. بعضی حقایق، قضاوتها و دیدگاهها از زبان شخصیتها بیان شده که مخاطب فقط از دید راوی نبیند و به دموکراتیک کردن کلام منجر شده است. عشق، استغاثه و مناجات، گفتگو را عاطفی و احساسی کرده است، کنش شخصیتها باعث شناخت مخاطب از آنها شده است و همذات‌پنداری با قهرمانان را به همراه داشته است. در گفتگوها به وقایع و ماجراهایی اشاره میشود که به پیشبرد روایت کمک میکنند. فضاسازی شاد یا غم‌آلود با دیدن خوابی یا گرفتن طالعی در گفتگو بوجود آمده است. توصیف در گفتگو به معرفی یا شناخت بیشتر منجر شده است. با گفتگو فرود و اوج‌گیری داستان، گره‌افکنی و گره‌گشایی بهتر جلوه کرده است. گفتگو به سیر شتاب زمانی رمانس سمک عیار کمک کرده است.

تاریخ دریافت: ۲۷ خرداد ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۳۰ تیر ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۱۵ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۳۰ شهریور ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

رمانس، سمک عیار، عناصر داستان، گفتگو، شخصیت.

* نویسنده مسئول:

m-davoodabadi@iau-arak.ac.ir

۳۴۱۳۲۴۵۱ (۹۸ ۸۶)

مقدمه

ادبیات داستانی امروزه گسترده‌ترین حوزه در ادبیات است که مخاطبان بسیار دارد. جمال میرصادقی در تعریف ادبیات داستانی و انواع آن ابراز میدارد که «ادبیات داستانی در معنای جامع آن به هر روایتی که خصلت ساختگی و ابداعی آن بر جنبه تاریخی و واقعیش غلبه کند، گفته میشود؛ از اینرو ظاهراً باید همه انواع خلاقه آثار ادبی را دربر بگیرد چه نثر و چه نظم. اما در عرف نقد امروز به آثار روایتی خلاقه منثور، ادبیات داستانی میگویند. ادبیات داستانی شامل قصه، رمانس، رمان، داستان کوتاه و آثار وابسته به آنهاست» (واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی، میرصادقی و میرصادقی: ص ۱۱).

سمک عیار از آثار منثور قرن ششم، بخاطر ویژگیهایش در دسته‌بندی ادبیات داستانی جزو رمانسها قرار میگیرد. منشأ رمانسها قصه‌های عامیانه بودند و بعد از اسطوره و قبل از رمان بوجود آمدند. در بحث قصه‌های بلند عامیانه فارسی (رمانس عام) به قدمت رمانسها اشاره شده است (عباسی، ۱۳۹۷). طبق واژه‌نامه جانسون «رمانس افسانه‌ای رزمی از قرون وسطاست حکایتی از ماجراهای اعجاب‌انگیز عشق و شهنشاهی. از نظر او، رمانس دنیای خودجهداری را ارائه میدهد که از قوانین خاص خود پیروی کرده و تنها دورادور به دنیای واقعی مربوط میشود» (رمانس، بیر: ص ۷۳). دنیای رمانس به اندیشه‌ها مجال خودنمایی داده، البته رمانس واقع‌تر از خیالپردازیست و داستانی پرماجرا خلق میکند. اسکولز معتقد است که رمانس‌نویس «بیشتر اندیشه‌هایش را درباره جهان عرضه میدارد تا تأثیراتش را از آن جهان متعارف از فاصله‌ای دورتر دیده میشود، و شکل و رنگ آن عمداً با عدسیها و فیلترهای فلسفه و خیال تغییر کرده است» (عناصر داستان، اسکولز: ص ۱۰). طبق نظر محققان داستان‌نویسی داستانها از عناصر مهمی تشکیل شدند که عبارتند از: طرح و پیرنگ، شخصیت، حقیقت‌مانندی، درونمایه، موضوع، زاویه دید، صحنه، گفتگو، سبک، لحن، فضا و رنگ و نماد و نمادگرایی هستند.

در این مقاله به بررسی شخصیت و گفتگو پرداخته میشود. «شخصیت در اثر روایتی یا نمایشی، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آنچه میگوید و میکند، وجود داشته باشد. خلق چنین شخصیت‌هایی را که برای خواننده در حوزه داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه میکنند، شخصیت‌پردازی میخوانند» (عناصر داستان، میرصادقی: ص ۸۴).

گفتگو نقش مهمی در پیشبرد داستان و تئاتر دارد، میرصادقی در این‌باره میگوید: «گفتگو بنیاد تئاتر را پی میریزد اما در داستان نیز یکی از عناصر مهم است، پیرنگ را گسترش میدهد و درونمایه را به نمایش میگذارد و شخصیتها را معرفی میکند و عمل داستانی را به پیش میبرد» (همان: ص ۴۶۳). صحبتی را که میان شخصیتها یا بشکل وسیعتر، در افکار شخصیت واحدی در هر اثر ادبی، صورت میگیرد را گفتگو میگویند. «گفتگو نه تنها انگیزه‌های اعمال و گرایشهای نهانی ذهن را بنمایش میگذارد، بلکه مضامین زیربنایی رمان نیز از طریق آن تبلور و تجسم مییابد» (رمان به روایت رمان‌نویسان، الوت: ص ۵۱۴). گفتگو به داستان حرکت میدهد؛ گفتگوی بین شخصیتها به معرفی آنها کمک میکند تا مخاطب فقط از دید راوی نبیند. «علاوه بر این گفتگو وسیله‌ای برای روانکاوی مادی اشخاص و توصیفی موجز از ویژگیهای روحی شخصیت است. هر جمله گفتگو باید شخصیت گوینده را توصیف کند» (فن داستان‌نویسی، سلیمانی: ص ۳۶۵). گفتگو باعث آگاه کردن مخاطب از وضعیت روحی و روانی شخصیتها میشود.

هدف این پژوهش تحلیل گفتگوی شخصیتها در سمک عیار است. سمک عیار در زمینه‌های مختلف مورد توجه منتقدان و نویسندگان قرار گرفته است. گفتگوی شخصیتها در سمک عیار تاکنون مورد توجه پژوهشگران نبوده

است. در این پژوهش تلاش میشود که عنصر گفتگو در سمک عیار مورد نقد و تحلیل قرار بگیرد. سؤالاتی در این زمینه مطرح میشود و سعی بر این است که در نتیجه‌گیری پاسخی کامل برای آنها بدست بیاید، به این شرح است:

کارکرد و نقش گفتگوها در سمک عیار کدامند؟ گفتگوها در سمک عیار به چند صورت مشاهده میشوند؟ بررسی و تحلیل گفتگوی شخصیتها در سمک عیار باعث شناخت بیشتر و جذب مخاطبان به رمانس سمک عیار میشود؛ تحلیل کارکرد و نقش گفتگوها در این اثر نتایجی را به همراه دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

سابقه پژوهش

چندین پژوهش از زوایای مختلف رمانس سمک عیار را مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله حسام‌پور (۱۳۹۶) مقاله «شیوه قصه‌گویی در سمک عیار و مقایسه آن با سه داستان عامه‌عیاری» را به نگارش درآورده است. در این مقاله فقط به جلد اول سمک عیار درمورد شیوه قصه‌گویی پرداخته شده است. جلالی پنداری و حسینی (۱۳۹۱) مقاله «بررسی ترفندهای قدیمی در سمک عیار» را مورد واکاوی قرار داده‌اند. حسن‌آبادی (۱۳۸۶) مقاله «سمک عیار افسانه است یا حماسه؟» را تألیف کرده است. خائفی و فیضی‌گنجین (۱۳۸۶) مقاله «تجزیه و تحلیل قصه سمک عیار براساس نظریه ولادیمیر پراپ» را نوشته و به تطابق نظریه پراپ با سمک عیار اشاره کرده‌اند.

بحث و بررسی

شخصیتها

گفتگو باعث میشود شخصیتهای داستانی، بصورت برجسته‌ای در داستان جلوه کنند. «یکی از ساده‌ترین روشها، خلق شخصیت از طریق گفتگو و مکالمه است. در این شیوه کارآمد بسیاری از شخصیتهای داستانی چون همه انسانها ناخواسته گوشه‌هایی از شخصیت پیچیده خود را برای خواننده هویدا می‌سازند. راه دیگر بیان ذهنیت آنها است. شخصیتها معمولاً در مرحله‌ای از حیات با خود واگویی میکنند. و ذهنیت خود را برای خواننده آشکار میکنند» (پارسی‌نژاد، ۱۳۷۸: ۱۰۱). در ادامه به شخصیتها اشاره میشود. شخصیتها در سمک عیار فراوانند و به چند دسته تقسیم میشوند:

شخصیتهای اصلی

پادشاهان، وزیران، پسران شاهان، زنان و دختران پادشاهان و درباریان، اسفهلاران و عیاران. شخصیتهای فرعی پررنگ: پهلوانان، پیامبران، دایه‌ها، جادوگران، پریان. شخصیتهای فرعی کم‌رنگ: خدمتکاران، تجار، حاجبها، پیکها، جاسوسها، صاحب‌قلمها، زندانبانها، مرغان آدمی‌روی. گفتگوها در سمک عیار بین شخصیتها با هم یا تک‌گویی صورت میگیرد.

انواع گفتگو در سمک عیار

به نقل از جمال میرصادقی: نویسندگان از دو نوع گفتگو در اثر خود استفاده میکنند: مستقیم یا غیرمستقیم.

گفتگو میتواند با خود و یا غیر خود باشد (مونولوگ، دیالوگ). تودوروف در مورد انواع گفتگو میگوید: «بطور کلی نویسندگان معمولاً به دو شکل از عنصر گفتگو در داستانهای خود استفاده میکنند. گفتگویی که مستقیماً فکر و اندیشه شخصیتهای نویسنده را در اختیار خواننده قرار میدهد و گفتگویی که بصورت غیرمستقیم، خواننده را در وضعیتی قرار میدهد که بتواند منظور گوینده را طی گفتگو کشف کند» (تودوروف، ۱۳۷۹: ص ۴۷۸). گفتگو امکان دارد در ذهن یک شخصیت تبلور پیدا کند؛ در این صورت تک‌گویی درونی نامیده میشود؛ اندیشه‌های درونی شخصیت با این شیوه نمایش داده میشوند و افکار بصورت غیرمستقیم نقل میشوند و اینگونه زوایای پنهان شخصیت مشاهده میشوند. تک‌گویی انواع مختلف دارد: الف: تک‌گویی درونی؛ ب: تک‌گویی نمایشی؛ ج: حدیث نفس یا خود‌گویی. «نویسنده به حدیث نفسی که مردم با خود دارند دسترس دارد و از آن مقام میتواند به ژرفای نیمه خودآگاه دریابد» (مورگان فورستر، ۱۳۶۹: ص ۱۱۶).

حرف زدن با خود (مونولوگ) و مخاطب قرار دادن خود، ویژگیهای روحی و روانی شخصیت را نمایان میکند؛ به مخاطب اطلاعات میدهد و داستان را پیش میبرد؛ در تک‌گویی، شخصیت از اتفاق یا وضعیتی حرف میزند و غیرمستقیم مخاطب را در جریان احساسات خود قرار میدهد. در بخشهای بعدی پژوهش ابتدا گفتگوها با توجه به کارکرد و نقش آنها مورد بررسی قرار گرفته و سعی میشود با آوردن نمونه‌هایی از این گفتگوها در عناوین مختلف دسته‌بندی انجام شود.

کارکرد و نقش گفتگو در سمک عیار

نقش گفتگو در مناظره

گفتگو شامل همه نوع صحبت و ارتباط کلامی بین شخصیتهاست که ممکن است بصورت مناظره نمود پیدا کند. در مناظره طرفین نظر خود را در مورد موضوع بیان میکنند. گاهی گفتگو بشکل جدل درمییابد که صورت دعوا و درگیری میگیرد و طرفین علیرغم درستی یا نادرستی نظرشان از مواضع خود کوتاه نمی‌آیند و به توهین و تحقیر هم مینجامد. گاهی کشمکش انسان با خود است و در مونولوگ (تک‌گویی) فرد با خود درگیر است. در سمک عیار مناظره و مجادله و کشمکش انسان با خود در گفتگوها مشاهده میشود که نمونه‌هایی تحلیل میشود.

• گفتگوی قراخان و غور کوهی: مناظره کردن

«قراخان گفت ای پهلوان، شاه جهان ارمنشاه سلام و دعا میرساند، و میگوید که پهلوان آگاه است و هیچکس از وی بهتر نمیداند، که از همه، جهان بیش دیده است، که پدرپدران [ما] این دره بوده است، و هیچکس از این دره بر پادشاه خود عاصی نشده‌اند ... چون غور کوهی این سخن شنید گفت ای قراخان، سخن آنست که هیچ ممکن نشود. ایشان به زینهار پیش من آمده‌اند و شاه مرا میشناسد که در زینهارداری جان بدهم، و زینهار از دست ندهم. با من در این کار مناظره نباید کردن. قراخان گفت ای پهلوان، با شاه پنجه میفکن و فرمان شاه وقت بجای آور... غور کوهی گفت ای قراخان، با من سخن چنین درنگیرد و مرا به سخن و زر از راه نتوان بردن» (سمک عیار، ج ۱: ص ۳۰۰). گفتگوی بین قراخان و غور کوهی حالت مناظره به خود گرفته است. طرز صحبت غور کوهی حکایت از جوانمردی او دارد؛ کسانی را که به او پناه آوردند، به قراخان که با وسوسه زر و زور از طرف ارمنشاه آمده است تحویل نمیدهد. در این گفتگو یکی از ویژگیهای عیاران نمایش داده شده که جان را فدای زینهارداری میکنند.

گفتگوها در سمک عیار بیشتر بصورت کوتاه مشاهده میشوند در بعضی مواقع که گفتگوها حالت مناظره یا بحث و ... داشته باشند، طولانی میشوند. گفتگوی غور کوهی و قراخان جز گفتگوهای طولانی، سمک عیار است.

• گفتگوی ارمنشاه و هرمزکیل و دبور: جدل کردن

«هرمزکیل گفت ای شاه من رسولم و رسولان امانت‌دار باشند ... ارمنشاه گفت چنین است. هرمزکیل گفت خورشیدشاه میگوید پنجاه هزار دینار و ... که غور کوهی به من فرستاد، شما به دست فروگرفتید. باید به من بازرسانید و اگر نه به یزدان دادارکردگار که به هر دیناری به زخم شمشیر هزار دینار بازستانم ... دبور گفت من سته‌ام، باز ندهم تا بنگرم که به زخم شمشیر چگونه باز خواهد ستد. هرمزکیل گفت ای پهلوان، تو باری مگو که زخم شمشیر از آن دست است که هنوز [از] زخم گرز[اش] خون در پیشانی تو مانده است» (همان، ج ۲: ص ۹۹). هدایایی که غور کوهی برای خورشیدشاه فرستاده بود را دبور از پهلوانان ارمنشاه مصادره کرده بود و هرمزکیل از جانب خورشیدشاه پیغام آورده بود که هدایا را پس بفرستند؛ در این گفتگو جدال بین هرمزکیل و دبور بالا میگیرد تا جایی که دبور از فرط خشم طیره میشود و شهران وزیر مانع آسیب زدن او به هرمزکیل میشود. این جدال به تهدید و تحقیر انجامید. میرصادقی دربارهٔ شخصیتها میگوید: «به مقابلهٔ شخصیتها یا نیروها با یکدیگر کشمکش میگویند» (میرصادقی، ۱۳۹۰: ص ۲۹۵).

• گفتگوی غیرمستقیم تاج‌دخت: کشمکش درونی

«همچنان به بالین گلبوی گلرخ آمد. در وی نگاه کرد و آن جمال وی دید و آن روی چون ماه. دودی به سر وی برآمد. آتش در جان وی افتاد. با خود گفت: ای دریغا چنین روی و موی و صورت، که در جهان دیگر به دست نیاید؛ اگر از اول به بالین وی آمده بودمی، مگر این خطا بر دست من نرفتی، که ایشان با من چه کرده‌اند؛ ایشان را نکشتمی، تا از این کار بر من چه آید؛ اما اکنون زنبورخانه آشفتم [این] هم از ایشان است؛ نه گناه ایشان کرده بودند و این بیگناه است؛ همه چون یکدیگراند، کار تمام کنم تا جواب سمک داده باشم، اگرچه کار ناکسان است؛ چون با سمک برنماییم، با زنان عاجز که ایشان خود کشته‌اند [؟] جواب دادن سمک آن باشد که با وی کاری کنم؛ چاره نیست» (سمک عیار، ج ۵: ص ۴۷۴).

در این قسمت تک‌گویی درونی تاج‌دخت با خودست، شقاوت و سنگدلی تاج‌دخت در حین ارتکاب جنایت بحدی زیاد است که او را به کشمکش درونی (تک‌گویی درونی) وامیدارد. تاج‌دخت که قبلاً هم زنان فرخ‌روز را از حمام ربوده بود و فرخ‌روز او را بخشیده بود، آنقدر خبیث است که به ندای درونش هم پاسخ نمیدهد که از قتل این بیگناهان دست بکشد. وقیعترین شخصیت در سمک عیار تاج‌دخت است.

• نقش گفتگو در مستدل کردن کلام و زبان

وقتی با دلیل و برهان موضوعی روشن شود کلام مستدل میشود، کلام مستدل چون پشتوانهٔ منطقی دارد مورد پذیرش قرار میگیرد و از تأثیرگذارترین نوع گفتگو است؛ زبان ملایم و کلام مستدل علاوه بر طرفین گفتگو بر روی مخاطبان هم بازخورد خوبی دارد. در سمک عیار عیاران، عالمان و وزیران با استدلال در تصمیم‌گیریها به پادشاهان کمک میکردند و نتایج مثبتی به همراه داشتند.

• گفتگوی شهران وزیر و ارمنشاه: استدلال برخورد با رسول

«شهران گفت ای شاه، زینهار تا به گفت مهران وزیر هیچ کار نکنی که به عاقبت پشیمان شوی. نام خود زشت مگردان که هیچ پادشاهی این نکند. همه بندیان [را] با خلعت بازفرست و هرمز [کیل] را بازفرست... اگر تو

رسولان ایشان قهر کنی [چون] رسول آنجا شود به جان امان ندهند و کینه در دلها زیادت شود» (همان، ج ۱: ص ۲۰۸).

شهران وزیر با استدلال ارمنشاه را متقاعد میکند که رسولان را نکشد چون بدنامی به دنبال دارد، پس باید ملاحظه کار بود چون کدورت، خشونت بیشتر طرف مقابل را به همراه دارد.

• گفتگوی طوطی شاه و خاقان وزیر: استدلال دوری از جنگ

«پس شاه طیره شد و خاقان وزیر را گفت چه چاره باید کرد. خاقان گفت ای شاه. جنگیدن با اینان مصلحت نیست بفرمای تا دروازه‌ها ببندند. این عده بیش از یکی دو هفته نتوانند پنهان ماندن و ناچار بیرون آیند، جنگ با اینان شایسته نام تو نیست که گویند با رعایایش جنگید و قتل و غارت کرد و چون دل مردمان به یاری ضعیف گراید، باشد که مملکت دو دسته شود و هر طرف که شکست خورد شاه را زیان رسد. مصلحت این است که با صبر و تدبیر کار نیک شود و امید است که خود آنان از کرده خود پشیمان شوند و امان بخواهند» (همان، ج ۳: ص ۱۹۱). در اینجا ضمن اطلاعاتی که در مورد اصول مملکتداری از زبان خاقان وزیر به مخاطب داده میشود، به نقش و تأثیر وزیران در حکومت اشاره میشود؛ شنیدن این مطالب از زبان وزیر تأثیر بیشتری بر مخاطب دارد تا اینکه راوی بازگو کند. دوری از جنگ و تدبیر صلح با استدلال خاقان وزیر برجسته و اقناع‌کننده است.

• نقش گفتگو در دموکراتیک کردن کلام

اگر تمام قضاوتها و دیدگاهها از زبان راوی بیان شود دیکتاتوری بر متن حاکم میشود؛ گفتگوی بین شخصیتها میتواند به دموکراتیک کردن کلام بینجامد. در سمک عیار بعضی حقایق، قضاوتها و دیدگاهها از زبان شخصیتها بیان شده و توازنی را در این اثر بوجود آورده است که مخاطب فقط از دید راوی نگاه نکند.

• گفتگوی شروان و ارمنشاه: واقع‌بینی

«شروان گفت ای شاه، از بهر جان غم نباید خوردن که همه کس آرا مرگ در پیش است» (همان، ج ۱: ص ۳۸۷). شروان از سپاه خورشیدشاه در دست ارمنشاه اسیر بود. وقتی تهدید به مرگ شد، پاسخ داد که همه مرگ را پیشرو خواهند داشت؛ شنیدن این جمله که حرف حقی است از زبان شروان، گفتگو را دموکراتیک کرده است. اگر از زبان راوی گفته میشد و فقط نظر راوی بیان میشد دیگر دموکراتیک نبود.

• گفتگوی هامان و خورشیدشاه: رحم و شفقت

«هامان وزیر گفت ای شاهزاده، شاید که خلقی هلاک شوند و خون خلقان ریختن مصلحت نیست که ایشان همچون ما جان دارند و جان عزیز است و به فراوان سال بمرده‌اند. و سپاه بی‌اندازه دوست از دشمن ناپدید» (همان، ج ۳: ص ۵۱). هامان میگوید خون خلقان ریختن مصلحت نیست. شنیدن این جمله از زبان هامان و با قضاوت و دیدگاه او کلام را دموکراتیک کرده است؛ چون از زبان راوی بیان نشده است. انصاف و مروت، در جمله «قتل عام مردم درست نیست» مشاهده میشود؛ اگر همه قضاوتها را راوی انجام میداد، دیکتاتوری به داستان حاکم میشد. ولی در جای جای سمک عیار قضاوتها از زبان اشخاص هم بیان میشود و اینگونه گفتگو به دموکراتیک کردن کلام کمک کرده است. میخاییل باختین به ایدئولوژی، جهان‌بینی و دیدگاه شخصیتها اشاره کرده است که کلام را دموکراتیک میکنند (باختین، ۱۳۸۷).

• نقش گفتگو در عاطفی و احساسی بودن

گفتگو در عاطفی و احساسی کردن کلام بسیار مهم است. در سمک عیار همذات‌پنداری مخاطب با شخصیتها (قهرمانان) از طریق گفتگو صورت میگیرد؛ گفتگو اوج احساسات و عاطفه بین عشاق، وابستگان، نزدیکان و گاهی

شخصیتها با پروردگار را بوجود می‌آورد.

گفتگوی خورشیدشاه و مه‌پری: عاشقانه

«شاهزاده گفت ای دلارام و دلبنده، ترا در میان مصاف بردن مصلحت نیست، و دیگر با پدرت چنین افتاده است که ترا به قلعه شاهک فرستم. دختر گفت من نمیخواهم که از تو جدا شوم. چون دل تو نیز چنین میخواهد فرمان تراست. بگفتار تو میروم و اگر نه مرا مراد نیست. این بگفتند و برخاستند و یکدیگر را در کنار گرفتند و بگریستند» (سمک عیار، ج ۱: ص ۹۰). نقش عشق در خلق گفتگو را با این گفتگوی بین خورشیدشاه و مه‌پری مشاهده میکنیم. عاطفه و احساس بین خورشیدشاه و مه‌پری با این گفتگو حالت شورانگیزی به داستان میدهد.

• تک‌گویی عالم‌افروز (سمک): مناجات و استغاثه

«ای چاره بیچارگان، و ای دستگیر دردمندان، و ای فریادرس بیکسان، و ای خدای آسمان و زمین، و ای داننده آشکارا و پنهان، و ای آفریننده همه خلقان، و ای روزی‌رسان همه جانوران، و ای راحت‌دهنده همه دردمندان، و ای دارنده افتادگان و ای داننده رازها، و ای نیوشنده آوازا، قادری که به فریاد بیچارگان رسی که طاقت این بلا و رنج ندارم و بجز تو کسی این رنج از من باز نتواند داشتن، به عزت تو که از قدرت خویش اثری بنمایی که من بیچاره از این محنت راحت یابم؛ و اگر اجل من به آخر آمده است بر من خوش گردان. از تو به تو آمدم و تو توانی که توانایی و قادری» (همان، ج ۴: ص ۱۰۲). «ای» در این گفتگو طلب کمک را میرساند و نوعی درد و رنج نیز از مصوتهای (ا-ی) دریافت میشود.

نقش روانشناسی دعا و مناجات در سمک عیار نمود قوی دارد. قهرمانان در سمک عیار هر وقت در گذرگاههای سخت قرار میگیرند با استمداد از خداوند نجات مییابند؛ ستایش و راز و نیاز با پروردگار از برجستگیهای این اثر است. زمانی که عالم‌افروز (سمک) در بارگاه جام شاه از شکنجه زیاد در حال مرگ بود و درد و رنج میکشید، با نیایش و استغاثه به درگاه خدا، با مدد حضرت خضر نجات یافت. در این قسمت صدای عالم‌افروز بالاتر از صدای راوی قرار گرفته است.

• نقش گفتگو در کنش شخصیتها

افکار و اعمال شخصیتها با گفتگوی بین آنها مشخص میشود، در سمک عیار کنش شخصیتها باعث شناخت مخاطب از آنها میشود و در داستان به همذات‌پنداری با قهرمانان منجر میشود؛ کنش شخصیتها با گفتگو به داستان جنب‌وجوش میدهد.

• گفتگوی سمک و صیحانه: نفوذ کردن

«روی به عالم‌افروز کرد. گفت ای آزادمرد، نام تو چیست؟ گفت افزون. صیحانه گفت ای افزون، تو سمک را دیدی که این همه فریاد از وی میکنند؟ گفت ای ملکه، من او را دیدم و چنان جادوست از بهر آنکه هر ساعت به شکلی برآید» (همان، ج ۲: ص ۲۷۹).

در این گفتگوی بین عالم‌افروز (سمک) و صیحانه جادوگر، کیاست سمک بر جادوگری صیحانه میچربد و خود را افزون معرفی میکند و با زیرکی در صیحانه نفوذ میکند و مقدمات نابودی جادوگران را فراهم می‌آورد. کنش شخصیت، با نفوذ کردن عالم‌افروز در جادوگران در این گفتگو بنمایش درآمده است؛ جنگیدن با دشمنان با شیوه‌های مختلف از کنشهای مهم در این اثر است.

• گفتگوی دایه و چگل‌ماه: عشق ورزیدن

«از این جانب دایه گفت شادباش ای ملکه جهان، که شوهر بهتر از فرخ‌روز نباشد که پادشاهزاده است و سوزار

چون تویی. اندیشه در دل راه مده تا من بروم و فرخروز را پیش تو بیاورم. برخاست که برود که چگل ماه گفت ای دایه، صبر باید کردن که تا بهتر از این چاره کنیم» (همان: ج ۳: ص ۳۳۶). دایه‌ها معمولاً رازدار و یاریگر بودند. چگل ماه که در میدان جنگ و نبرد با فرخروز شیفته او شد، با دایه در این مورد درددل میکند و به چاره‌اندیشی میفتد. با گفتگوی آنها کنش شخصیت، عشق ورزیدن چگل ماه به فرخروز در این گفتگو بتصویر کشیده شده است. جدایی و وصال از کنشهای شخصیتها در سمک عیار است که برای قهرمانان بارها اتفاق افتاد است. «معمولاً نشان دادن شخصیت داستانی از طریق گفتگو و کنش نتیجه بهتری دارد تا اینکه نویسنده از زبان راوی همه چیز را تعریف کند» (ساختار و عناصر داستان، پارسی‌نژاد: ص ۱۰۰).

• گفتگوی سیماب با فرخروز: گذشت کردن

«سیماب در پای فرخروز افتاد. گفت: ای بزرگوار شاه و شهزاده، کار شیطان بود، مرا بفریفتند. نادانی بر من غالب شد. عقل از من دور گشت، بخت بد مرا دریافت، فعل بد در نهاد من به جوش آمد، ناکسی از وجود من پیدا شد، بخت و دولت بر روی من طپانچه زد، اقبال مرا از پیش خور براند، محنت و خواری در من آویختند، چشم بد مرا در بست، دیو کین مرا بدین آورد؛ اکنون بندهام بر گناه خویش مقرر، بر هر عقوبتی که فرمایی سزاوارم. ... فرخروز گفت: این همه چرا میگوی چون شما را آزاد کردم آنچه بود رفت. سیماب سوگند خورد به یزدان دادار کردگار که بعد از این پادشاهی تخت بایستاد» (سمک عیار، ج ۴: ص ۱۷). کوتاه بودن جملات در نثر کلاسیک و نقش کوتاهی جملات در سلامت نثر در این گفتگو هویدا است. در سمک عیار قصه‌های فرعی زیادی وجود دارد. «قصه‌های فرعی همواره از درون گفتگو میجوشند» (از اشارتهای دریا، توکلی: ص ۴۸۷).

سیماب که پادشاهی بی‌اراده و ترسوست، حکومتش حالت مستعمره جام شاه را دارد و شهادت مبارزه با او ندارد. وقتی فرخروز جوان و شجاع یک‌تنه به دفاع از سیماب شاه و مردمش اقدام میکند، سیماب شاه ترسو، به تحریک یک جاسوس و وزیرش جهاد، مبادرت به قتل فرخروز با زهر میکنند. وقتی رسوا میشوند، سیماب شاه شروع به لابه و زاری میکند و کنش او شخصیت ضعیفش را نمایش میدهد. در عوض فرخروز با بخشش آنها اصالت و شجاعت خود را نشان میدهد. این گفتگو منش سیماب شاه و فرخروز را به مخاطب مینمایاند که همیشه با مردانگی می‌جنگد و از پشت ضربه نمی‌زند. شخصیت‌پردازی در اینجا بخوبی صورت گرفته است.

• نقش گفتگو در پیشبرد روایت

در گفتگوی بین شخصیتها به وقایع و حوادثی اشاره میشود که به پیشبرد روایت کمک میکنند، در سمک عیار گفتگوها نقش بسزایی در پیشبرد روایت دارند؛ ضمن گفتگو، مخاطب به مسائلی پی میبرد که روایت حرکت رو به جلو دارد.

• گفتگوی سمک و فغفور شاه: شجاعت و غیرت سمک

«سمک برخاست و گفت ای بزرگوار شاه، دختر از آن خورشیدشاه است که به مردی و عیاری بدست آورده است. هیچکس در وی نگاه نتوان کردن. چرا باید که مهران اینچنین سخن گوید که شاه دختر کرا خواهد بود و به کرا خواهد دادن؟» (سمک عیار، ج ۱: ص ۴۱). وقتی خورشیدشاه برای وصال مه‌پری به شغال پیل‌زور و سمک متوسل میشود، سمک جان بر کف مینهد و جریانهای خطرناکی را از سر میگذراند: از حضور در بارگاه فغفور شاه تا بحث با او و مهران وزیر، که مه‌پری متعلق به خورشیدشاه است. در این گفتگو چالش جدیدی بوجود آمده است که پیرنگ گسترش پیدا کرده و ضمن گفتگو پیشبرد روایت هم اتفاق است.

• گفتگوی عدنان و مردان‌دخت: جسور بودن مردان‌دخت

«مردان‌دخت گفت ایهاالوزیر، اگر شاه میخواستی که من در خدمت بودمی دشمن بر من اختیار نکردی. اکنون شاه را با من سه کار باید کردن: یا رها کند که از دنباله فرخ‌روز بروم، یا به سیاه‌دره روم، یا چون زنان در پس پرده نشینم که بیش از این خدمت چون مردان نخواهم کردن. عدنان وزیر گفت ای ملکه، این سخن با ما نیست. ترا با شاه باید گفتن. مردان‌دخت گفت همچنین که میگویم با شاه بگوی. آخر این قدر مرا حرمت پیش تو هست که از من پیغامی به شاه رسانی و نیز شاه آخر ترا به کاری فرستاده است. من نمی‌آیم. عدنان گفت ترا باید آمدن و سخن خود بگفتن که آنچه تو بگویی نه چنان باشد که من بگویم. و اگر شاه چیزی گوید جواب آن در حال تو باز دهی که من آن معنی ندانم و اگر بگویم چنان نباشد و اگر بگویم چنان نباشد که رضای تو بود» (همان، ج: ۵، ص: ۱۴۳). مردان‌دخت که از زنان پهلوان و همسر فرخ‌روز است، زنی بااراده و قدرت است. زمانی که خورشیدشاه پهلوان قماقم فرستاده جام شاه را میپذیرد، قماقم که قبلاً خواستگار مردان‌دخت بوده، ... این مسئله باعث خشم مردان‌دخت میشود که در گفتگوی با عدنان صلابت گفتارش مشخص است ولی نمیخواهد بخاطر عظمت خورشیدشاه مستقیم با او صحبت کند. عدنان وزیر باتدبیر و کاردان است و مردان‌دخت را قانع میکند. در سمک عیار هر شخصیت صدای متمایزی ندارد، گفتگوها متناسب با شخصیت نیست؛ پادشاهان، وزیران، پهلوانان و زنان صدای متمایزی ندارند، همه به یک گونه صحبت میکنند. با وجودی که گفتگوها در در سمک عیار جزو روایت قصه هستند و بصورت مستقل نشان داده نمیشوند، همین گفتگوها که در بین روایتها وجود دارند از حضور راوی میکاهند و به پیشبرد داستان و شخصیت‌پردازی کمک میکنند. سمک عیار چون یک اثر روایی است، گفتگوها بدنبال روایت می‌آیند.

• نقش گفتگو در فضا‌سازی داستان

یکی از کارکردهای گفتگوی شخصیتها فضا‌سازی در داستان است که فضای شاد یا غمگینی را بوجود می‌آورد. بعضی گفتگوها در سمک عیار به فضا‌سازی منجر شدند به این صورت که با دیدن خوابی یا گرفتن طالع و ... فضا‌سازی اتفاق افتاده است.

• گفتگوی فرخ‌روز و خورشیدشاه: خواب شوم دیدن

«فرخ‌روز گفت ای برادر عزیز و ای فخرشاهان. بگوی تا چه دیدی؟ گفت ای برادر، به خواب دیدم که من در گردابی افتاده بودم با اسب؛ و اسب مرا میگردانید. تو بیامدی و عنان اسب من بگرفتی و مرا بیرون آوردی. هر دو ایستاده بودیم. با هم سخن می‌گفتیم که ناگاه عقابی بیامد و کلاه از سر تو برگرفت و بر هوا شد. از این میترسم. فرخ‌روز گفت ای شاه. این نشان فراق است که تو میدهی و من پیش مرگ باز میشوم. یا مرا بکشند یا بیرون آورند» (همان، ج: ۱، ص: ۳۶۱). فضا‌سازی در گفتگوی بین فرخ‌روز و خورشیدشاه مشاهده میشود. خوابی که خورشیدشاه دیده و تعبیرش جدایی بین دو برادر است، فضا را غمگین کرده است و مخاطب را آماده میکند که حادثه تلخی به وقوع خواهد پیوست.

• گفتگوی عدنان و عالم‌افروز و فرخ‌روز: طالع سعد

«عدنان وزیر ... گفت ای عالم‌افروز اگر منجمان عالم گرد آمدندی تا چنین ساعتی بدست آورند نتوانستندی؛ سخت عظیم مبارک ساعتی است؛ بسیار کارها دیدم که بر سر وی بگذرد و خرمیها بیند بدلیل که هم اکنون باشد که او را مزدگانه آورند به خرمی ... خادم گفت ... پسری چون پدر ظاهر گشت ... عدنان وزیر گفت ای شاه، مبارکی ساعت است که فرزند آمد» (همان، ج: ۵، ص: ۲۰۵). در این گفتگو فضا‌سازی بسیار زیبا نمایش داده شده

است. عدنان وزیر که علم نجوم میدانست قبل از تولد مرزبان‌شاه فرزند فرخ‌روز و گلبوی، با استفاده از علم نجوم نوید تولد پسری را به میدهد و فضا را شاد میکند؛ فضا سازی شادی با پیشگویی تولد مرزبان‌شاه از زبان عدنان وزیر صورت گرفته است.

• نقش گفتگو در توصیف

بیشتر توصیفها در داستان توسط راوی صورت میگیرد، در بعضی از گفتگوهای سمک عیار هم توصیف صورت گرفته است که گاهی به معرفی یا شناخت بیشتر مخاطب از شخصیت یا چیزی که توصیف شده است مینجامد.

• گفتگوی سمک و هرمزکیل: توصیف زر

«سمک گفت ... زر به خرج کردن بسیار، تا زر خرج نکنی مراد تو حاصل نشود. که تو کار بسازی، و هرچه، بر همه، مردان عالم برتوانند آورد به زر برآید چنانکه پسندیده باشد، که زر پیشرو همه کارهاست. زر زبان‌بند همه غمازان و مفسدان است. اگر نه زر بودی کی در میان چندین دشمن چگونه توانستی آمدن؟ اگر من ساختمی به هزار چون من برنیامدی، این زر به خرج کردن تمامت کارها ساخته است» (همان، ج ۱: ص ۳۵۹). در این گفتگو که هرمزکیل از سمک میپرسد چرا این همه زر خرج میکنی، سمک با توصیف زر و قدرت آن نشان میدهد که باید از وسایلی برای رسیدن به هدف استفاده کرد؛ سخاوت و کیاست سمک با توصیف زر که چگونه آن را در خدمت بگیرد نمایان شده است.

• گفتگوی فتاح و دبور دیوگیر: توصیف قدرت خورشیدشاه

«فتاح نعره میزد و گفت ای آزادمردان، کجا هستید؟ اگر مردی مینمایی ای دبور، درآی؛ تا ترا دیوگیری بیاموزم ... دبور از گفتار سیاه برآشفته ... و گفت ای فرومایه خاکسار کار تو بدان رسید که چون منی [آرا] در میدان خوانی؟ من با خورشیدشاه برابری میکنم ... فتاح گفت این همه نام خورشیدشاه مبر، که چون تو صد هزار بنده دارد» (سمک عیار، ج ۲: ص ۲۷۰). رجزخوانی در میدان جنگ از دیرباز مرسوم بوده است و در شاهنامه و دیگر آثار حماسی نمود دارد. در سمک عیار پهلوانان با هموارد طلبیدن و رجزخوانی در میدان جنگ سعی در تضعیف روحیه حریف و تقویت روحیه لشکریان خود دارند. زمانی که فتاح حریف میطلبید و دبور را با تحقیر مورد خطاب قرار میداد، دبور آنچنان خشمگین شد که پاسخ تلخی به فتاح داد و فتاح او را تا حد بنده خورشید تنزل میدهد و به قدرت خورشیدشاه افتخار میکند. در این گفتگو قدرت خورشیدشاه توصیف میشود. گفتگوی پهلوانان در میدان رزم معمولاً کوتاه هستند.

• نقش گفتگو در اوج‌گیری و فرود داستان

هر چقدر راوی تلاش کند مخاطب را دچار هیجان کند، به اندازه گفتگوی شخصیتها نمیتواند تأثیرگذار باشد. گفتگوی شخصیتها در سمک عیار در اوج‌گیری و فرود داستان نقش فوق‌العاده‌ای دارد؛ شرایط شخصیتها با گفتگوی آنها، مخاطب را متوجه بحران میکند و بعد تعلیق اتفاق میفتد. گره‌افکنی و گره‌گشایی (فراز و فرود) با گفتگو بهتر جلوه میکند؛ سمک عیار چون طولانیست فراز و فرودهای زیادی دارد.

• گفتگوی هامان و شیرافکن: گره‌افکنی

«مهران وزیر روی به شیرافکن کرد و گفت ای پهلوان، از آن جماعت هیچکس به مرگ آمده‌اند؟ گفت نه از جهت آنکه راه تنگست. دی فرخ‌روز مضاف کرد، امروز خورشید میکند. و کسی پیش ایشان نمیتوان رفتن» (همان، ج ۱: ص ۶۵). در توطئه‌ای که مهران وزیر ترتیب میدهد، عیاران قتل عام میشوند و سمک مانند مرده‌ای خود را در میان کشتگان میندازد تا جان بدر ببرد؛ بعد دوباره گروهی از عیاران شکل میگیرد و به همراه خورشیدشاه و

فرخ‌روز با مهران وزیر برای تصاحب مه‌پری می‌جنگند. عشق پرماجرای خورشیدشاه به دختر فغفور چین و فراز و فرودهای آن در بستر فرهنگ عیاری جانمایه اصلی این اثر است. (گره‌افکنی) عشق خورشیدشاه به مه‌پری و مخالفت و چالشها با او، اوج‌گیری این داستان است. پس از جنگها و درگیریهای بسیار با مدد سمک، خورشیدشاه و مه‌پری به وصال میرسند و داستان فرود پیدا میکند؛ در ادامه با ماجراهای عشق فرخ‌روز به گلبوی دوباره داستان اوج میگیرد.

• گفتگوی عالم‌افروز و الیاس پیغمبر: گره‌گشایی

«سمک معروف به عالم‌افروز پیش آن شخص. گفت با این قوم چه کنم؟ آن شخص گفت از ایشان هیچ نیاید. مرزبان‌شاه از وی بازگرفت. آن شخص گفت آن درج بر زمین زن تا خرد شود که این طلسم جادوان است نباید که به دست دیگران افتد و از آن رنجی به کسی رسد. عالم‌افروز آن درج بر زمین زد و بشکست. پس گفت ای آزادمرد، به حق یزدان که ترا از این منزلت داد بگوی تا تو کیستی؟ آن شخص گفت من الیاس پیغمبرم. یزدان مرا فرستاد که شما را از این دره بیرون آورم» (همان، ج ۵: ص ۵۸۶). در سمک عیار اتفاقات عجیبی رخ میدهد. در بعضی حوادث که قهرمانان عاجز و درمانده میشوند به دعا متوسل میشوند. سمک که برای نجات مرزبان‌شاه پسر فرخ‌روز و گلبوی از دست تیغوی جادوگر به دره جادوگران رفته بود از طلسم آنها عاجز میشود و به دعا روی می‌آورد. در گفتگوی بین الیاس پیغمبر و سمک ملاحظه میشود که دعای سمک اجابت شده و الیاس برای غلبه بر جادوگران به باری او آمده است. در این گفتگو گره‌گشایی (فرود) داستان اتفاق افتاده است.

• سیر شتاب زمانی رمانس با تأکید بر گفتگو

گفتگو در رمانس باعث سیر شتاب زمانی میشود. اگر قرار باشد راوی تمام ویژگیهای شخصیتها را توصیف کند و از گذشته و حال و آینده به مخاطبان آگاهی بدهد خیلی طول میکشد. گفتگوی شخصیتها علاوه بر شناخت مخاطب از ویژگیهای روحی، خلقی و جسمانی آنها، درمورد وقایع قبل و حال و بعد با سرعت بیشتری مخاطب در جریان امور قرار میگیرد. رمانسها طولانی هستند و حوادث بیشماری در آنها به وقوع می‌پیوندد. گفتگوی شخصیتها حالت زنده‌ای دارد و به رمانس شتاب میدهند.

بعلاوت حجم بالای گفتگوها در سمک عیار، نمونه‌هایی از گفتگوهای مستقیم و غیرمستقیم در متن مقاله ذکر شد. بیشتر گفتگوها بصورت مستقیم هستند که بین دو یا چند شخصیت صورت می‌گیرند و مقدار کمتری گفتگوی غیرمستقیم در این اثر مشاهده شد؛ گفتگوها بیشتر بصورت کوتاه هستند. با بررسی و تحلیل گفتگوها، کارکرد آنها در این اثر نیز شناخته شد. سمک عیار که بوسیله راوی دانای کل نامحدود روایت میشود، با این گفتگوها از یکنواختی درآمده است.

نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل گفتگوی شخصیتها در سمک عیار به این یافته‌ها و نتایج رسیدیم: گفتگوها در سمک عیار به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم مشاهده شدند که به رمانس پویایی و تحرک بخشیده‌اند. گفتگوها در سمک عیار متناسب با شخصیتها نیست، یعنی شخصیتها صدای متمایزی ندارند. بیشتر گفتگوها در سمک عیار کوتاه هستند؛ کوتاه بودن جملات در گفتگوها، از سلامت نثر کهن قرن ششم حکایت دارد.

کارکرد و نقش عنصر گفتگو در سمک عیار بصورت مناظره (مناظره، جدل، کشمکش درونی) نمود قوی دارد. مستدل کردن کلام با گفتگو باعث مقبولیت آن شده؛ با استدلال و برهان صحبت کردن، شخصیتها به این اثر

اعتبار بخشیده است. دموکراتیک کردن کلام با گفتگو، انعطاف نویسنده را به همراه داشته که همه جا با دید راوی نگریسته و قضاوت نشود. با عاطفی و احساسی بودن گفتگو، اوج انتقال احساسات و عاطفه عشاق در سمک عیار نمایش داده شده، با استفاده از مصوت‌های ا- ی استغائه، درد و رنج شخصیتها به مخاطب القا شده است. افکار و اعمال شخصیتها با گفتگو مشخص میشود، در سمک عیار کنش شخصیتها باعث شناخت مخاطب از آنها میشود و به همذات‌پنداری با قهرمانان منجر میشود. با وجودی که گفتگوها در سمک عیار جزو روایت قصه هستند و بصورت مستقل نشان داده نمیشوند، همین گفتگوها که در بین روایتها وجود دارند حضور راوی را کمرنگ و به پیشبرد داستان، گسترش پیرنگ و شخصیت‌پردازی کمک میکنند. فضا سازی همگین و شاد با خواب دیدن، پیشگوییها و طالع‌بینی در گفتگوها اتفاق افتاده است. با توصیف در گفتگوها مخاطب مستقیم در جریان قرار میگیرد و همه توصیفها از دید راوی صورت نمیگیرد، اینگونه برای خواننده جذابیت بیشتری دارد. هرچقدر راوی تلاش کند مخاطب را دچار هیجان کند، به اندازه گفتگوی شخصیتها نمیتواند تأثیرگذار باشد. گفتگوی شخصیتها مخاطب را متوجه بحران میکند و گره‌افکنی و گره‌گشایی (فراز و فرود) بهتر جلوه میکند؛ رمانس سمک عیار چون طولانیست، اوج‌گیری و فرود زیادی دارد. گفتگو در رمانس باعث سیر شتاب زمانی میشود، اگر قرار باشد راوی تمام اطلاعات از گذشته و حال و آینده را به مخاطبان بدهد خیلی زمانبر است، گفتگوی شخصیتها در مورد وقایع با سرعت بیشتری مخاطب در جریان امور قرار داده و شتاب زمانی به رمانس سمک عیار داده‌اند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک استخراج شده است. آقای دکتر محمدعلی داودآبادی فراهانی راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم طاهره حسنی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر محمدرضا قاری نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش

تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Arrajānī, F. kh. A. (1983). *Samak-E Ayyar*. Corr. Dr. Parviz Natel Khanlari. 5 vols. Tehran: Agah.
- Scholes, R. (2016). *Elements of Fiction*. Trans. Farzaneh Taheri. Tehran: Markaz, p.10.
- Allott, M. (2009). *Novelists on the Novel*. Trans. Mohammad Ali Haghshenas. Tehran: Markaz, p.514.
- Bakhtin, M.M. (1981). *The Dialogic Imagination(studies about romance)*. Trans. Roya Pour Azar. Tehran: Ney.
- Beer, G. (2000). *The romance*. trans. Sudabeh Daghighi. Tehran: Markaz, p.73
- Parsi Nejad, K. (1999). *Structure and elements of fiction*. Tehran: Sure, pp.100-101.
- Todorov, T. (2000). *structuralize poetics*. Trans. Mohammad Nabavi. Tehran: Agah, p.478.
- Tavakoli, H.R. (2012). *From Hints of the Sea (Poetics of narrative in Masnavi)*. Tehran: Morvarid, p.487.
- Jalali Pandari, Y. and Hoseini, R. (2012). *Stratagems and schemes in Samak-E Ayyar*. *Literary Studies*, 3(2), pp.103-132.
- Hesampour, S. (2017). *Survey and comparison of storytelling in Samak E Ayyar with three folk tales*. *Culture and Folk Literature*, 5(12), pp.111-138.
- Khaefi, A. and Feyzi ganjin, J. (2007). *The analysis of Samak-E Ayyar's Tale Based on Vladimir Propp's Theory*. *Literary Research*, 5(18), pp.33-51.
- Soleimani, M. (2000). *The art of storytelling*. Tehran: AmirKabir, p.365.
- Abbasi, S. (2016). *Poetic of long story*. Tehran: Roozgar.
- Morgan Foster. E. (1990). *Aspects of the Novel*. Trans. Ebrahim Younesi. Tehran: Negah, p.116.
- Mirsadeghi, J. (2011). *Fiction*. 3rd.ed. Tehran: Sokhan, p.295.
- Mirsadeghi, J. (2013). *Elements of fiction*. 3rd.ed. Tehran: pp: 84-463.
- Mirsadeghi, J. and Mirsadghi, M. (2015). *The fiction dictionary*. 3rd ed. Tehran: Mahnaz, p.11.

فهرست منابع

- ادبیات داستانی، میرصادقی، جمال. (۱۳۹۰). ویرایش سوم. تهران: سخن.
- از اشارتهای دریا (بوطیقای روایت در مثنوی)، توکلی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). تهران: مروارید.
- بررسی حیلها و ترفندهای قدیمی در سمک عیار، جلالی پندری، یدالله و حسینی، رقیه. (۱۳۹۱). جستارهای ادبی، (۲) ۳، صص ۱۳۲-۱۰۳.
- بوطیقای ساختارگرا، تودوروف، تزوتان. (۱۳۷۹). ترجمه محمد نبوی. تهران: آگه.

- بوطیقای قصه‌های بلند، عباسی، سکینه. (۱۳۹۵). تهران: روزگار.
- تخیل مکالمه‌ای (جستارهایی دربارهٔ رمان)، باختین، میخائیل. (۱۳۸۷). ترجمهٔ رویا پورآذر. تهران: نی.
- جنبه‌های رمان، مورگان فورستر، ادوارد. (۱۳۶۹). ترجمهٔ ابراهیم یونسی. تهران: نگاه.
- رمان به روایت رمان‌نویسان، الوت، میریام. (۱۳۸۸). ترجمهٔ علی محمد حق‌شناس. تهران: نشر مرکز.
- رمانس، بیر، جیلین. (۱۳۷۹). ترجمهٔ سودابه دقیقی. تهران: نشر مرکز.
- ساختار و عناصر داستان، پارسى نژاد، کامران. (۱۳۷۸). تهران: سوره.
- سمک عیار، ارجانی، فرامرزی خداد عبدالله. (۱۳۶۲). تصحیح پرویز ناتل خانلری. ۵ جلد. تهران: آگاه.
- عناصر داستان، اسکولز، رابرت. (۱۳۹۵). ترجمهٔ فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
- عناصر داستان، میرصادقی، جمال. (۱۳۹۲). ویرایش سوم. تهران: سخن.
- فن داستان‌نویسی، سلیمانی، محسن. (۱۳۷۹). تهران: امیرکبیر.
- میرصادقی، جمال. و میرصادقی، میمنت. (۱۳۹۴). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی. ویرایش سوم. تهران: مهناز.

معرفی نویسندگان

طاهره حسنی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

(Email: hassani@pnu.ac.ir)

محمدعلی داودآبادی فراهانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

(Email: m-davoodabadi@iau-arak.ac.ir) (نویسنده مسئول)

محمدرضا قاری: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

(Email: Mr-qhari@iau-arak.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Tahereh Hassani: PhD student in Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

(Email: hassani@pnu.ac.ir)

Mohammad Ali Davoodabadi Farahani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

(Email: m-davoodabadi@iau-arak.ac.ir) (Responsible author)

Mohammad Reza Qari: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

(Email: Mr-qhari@iau-arak.ac.ir)